

ویژگیهای سبکی جلد اول روایات داراب هرمزد، براساس نسخه خطی کتابخانه مجلس

مریم غفاری جاهد، علی تسنیمی*، ابراهیم استاجی، احمد خواجه‌ایم

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران.

اسفند ۱۴۰۱، دوره ۱۵، شماره پیاپی ۸۲، صص ۱۶۷-۱۴۹

DOI: 10.22034/bahareadab.2023.15.6809

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

چکیده:

زمینه و هدف: روایات زرتشتیان که حاوی مباحث فقهی و حقوقی دین زرتشت است، طی سالها توسط راویان مختلف از هند و ایران گردآوری شده و در مجموعه‌ای به نام مجموعه روایات زرتشتیان یا روایات داراب هرمزد تدوین شده است. از این کتاب چند نسخه در کتابخانه‌های هند و ایران موجود است. در این پژوهش نسخه کتابخانه مجلس از جهت ویژگیهای ساختاری، فکری و ادبی بررسی شده است.

روش مطالعه: این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی با هدف شناخت ویژگیهای کتاب و نحوه تأثیر خط و زبان اوستایی، پهلوی، فارسی و عربی بر زبان و نگارش آن و همچنین محتوای روایات و سبک ادبی آن انجام گرفته است.

یافته‌ها: خط و زبان این کتاب اندکی متأثر از خط و زبان و سبک قرن دهم و کاربرد واژه‌های عربی و بیشتر متمایل به خط و زبان پهلوی و اوستایی و واژه‌های زرتشتی است. از جهت رسم‌الخط غلبه با پیوسته‌نویسی و از نظر واژه، واژه‌های فارسی و زرتشتی قدیمی و زبان اوستایی غلبه دارد و در موارد بسیاری خط و زبان اوستا نیز مستقیماً در آن به کار رفته است. دستخط کتاب نیز در جاهای مختلف متفاوت شده و در برخی صفحات نازیبا و بینظم است که نشان‌دهنده کاتبان متعدد و افزودن مطالب در زمانهای مختلف است. محتوای کتاب نیز شامل مباحث اعتقادی دین زرتشت است که از طریق پرسش و پاسخ و توجه به روایات راویان مختلف از کتب معتبر نقل شده است. از نظر ادبی، سبک خاصی نمیتوان برای این کتاب در نظر گرفت؛ بدلیل اینکه روایات از منابع مختلف آورده شده است و مبنای زیباشناسی ندارد و ویژگیهای آن شامل جابجاییهای نحوی و حذف افعال و همچنین تکرار مکررات، اندکی تشبیه و تمثیل است. روایات منظوم نیز ویژگی شعری نداشته و از ساختار زیباشناسی و بدیعی برخوردار نیست.

نتیجه‌گیری: این کتاب بدلیل استفاده از روایت‌های مختلف از منابع متفاوت و نقل از راویان متعدد، دارای خط و زبان متنوع است و نوشته یکدستی ندارد و مهمترین ویژگی آن سبک فکری است که ابعاد بسیاری از موازین دین زرتشت را با زبانهای مختلف بیان میکند.

تاریخ دریافت: ۲۴ اسفند ۱۴۰۰

تاریخ داوری: ۲۶ فروردین ۱۴۰۱

تاریخ اصلاح: ۰۹ اردیبهشت ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش: ۲۸ خرداد ۱۴۰۱

کلمات کلیدی:

روایات داراب هرمزد، زرتشتی، رسم‌الخط، اوستا، پهلوی، فقه و حقوق، سبک ادبی و زبانی.

* نویسنده مسئول:

a.tasnimi@hsu.ac.ir

۴۴۴۱۰۱۰۴ (۰۹۸ ۵۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Stylistic features of the first volume of Darab Hormozd narrations, based on the manuscript of the Majlis library

M. Ghaffari Jahed, A. Tasnimi, E. Estaji, A. Khajehim

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 15 March 2022

Reviewed: 15 April 2022

Revised: 29 April 2022

Accepted: 18 June 2022

KEYWORDS

Darab Hormozd, Zoroastrian, calligraphy, Avesta, Pahlavi, jurisprudence and law narrations, Literary and linguistic style.

*Corresponding Author

✉ a.tasnimi@hsu.ac.ir

☎ (+98 51) 44410104

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: Zoroastrian narrations, which contain jurisprudential and legal issues of Zoroastrian religion, have been collected over the years by various narrators from India and Iran and have been compiled in a collection called Zoroastrian narrations or Darab Hormozd narrations. Several copies of this book are available in Indian and Iranian libraries. In this research, the version of the parliament library has been studied in terms of structural, intellectual and literary features.

METHODOLOGY: This descriptive-analytical study was conducted to identify the characteristics of the book and the effect of Avestan, Pahlavi, Persian and Arabic scripts and languages on its language and writing, as well as the content of narrations and its literary style.

FINDINGS: The script and language of this book are slightly influenced by the script, language and style of the tenth century and the use of Arabic words and more inclined to the script and language of Pahlavi and Avestan and Zoroastrian words. In terms of calligraphy, it prevails with continuous writing, and in terms of the use of words, Old Persian and Zoroastrian words and the Avestan language prevail, and in many cases, the Avestan script and language have been used directly in it. The handwriting of the book is also different in different places and in some pages it is ugly and irregular, which shows multiple scribes and adding content at different times. The content of the book also includes the doctrinal issues of the Zoroastrian religion, which has been quoted from authentic books through questions and answers and attention to the narrations of different narrators. From a literary point of view, no specific style can be considered for this book because it has no aesthetic basis and its features include syntactic shifts and deletion of verbs as well as repetition, a bit of simile and allegory. Poetic narrations do not have poetic features and do not have an aesthetic and original structure.

CONCLUSION: This book has different scripts and languages due to the use of different narrations from different sources and quoting various narrators, and the writing is not uniform, and its most important feature is the style of thought that expresses many dimensions of Zoroastrian religion in different languages.

DOI: [10.22034/bahareadab.2023.15.6809](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2023.15.6809)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 28	 0	 0

مقدمه

زرتشتیانی که در دوره‌های بعد از اسلام در سرزمینهای مختلف پراکنده شده‌اند، پرسشهای فقهی خود را از افرادی که آنها را راویان دین میدانند میپرسند. این پرسش و پاسخها از طریق نامه‌نگاری انجام شده و در کتابهایی گردآوری شده است. داراب هرمز یکی از کسانی است که بسیاری از روایات را از راویان و کتب مختلف گردآوری کرده و با دسته‌بندی موضوعی در دو جلد کتاب قرار داده است. *روایات داراب* هرمز مجموعه‌ای دوجلدی حاوی پرسش و پاسخهای دینی است که از سوی زرتشتیان هند مطرح شده و موبدان زرتشتی ایرانی به آن پاسخ گفته‌اند. این روایات سرانجام در دوران صفویه در سده ۱۱ ق در هند تدوین شده است. این کتاب، جُنگ‌مانندی است که روایات بسیاری را از افراد مختلف از قرون نهم تا یازدهم در خود جای داده است. زبان این اثر فارسی زرتشتی است و تکه‌های از آن به خط پارسی، اوستایی و پهلوی نگاشته شده است. مضمون این روایات مطالب دینی و آیینی راجع به آداب و رسوم و باورهای مذهبی زرتشتیان است که موبدان به آنها پاسخ گفته‌اند و نشان‌دهنده نگرانی پیروان این دین برای ازدست رفتن این رسوم است. روایت، نوعی ادبیات زردشتی است که زردشتیان برای بقای سنتهای کهن خویش به زبان فارسی ابداع کردند. این ادبیات شامل سؤالات و پاسخهای مؤمنان زردشتی، رسالاتی در قوانین مذهبی، مراسم، تشریفات، افسانه‌ها و سنتهای زردشتی است.

روایاتی که داراب هرمز در کتاب مجموعه روایات زرتشتیان گرد آورده از کتبی چون *صد در نظم*، *صد در نثر*، *صد در بندهش* و *راویانی چون بهمن پونجیه*، *کاوس کامدین*، *کاوس ماهیار*، *کامه بهره*، *دستور بروجی*، که نام هر یک در ابتدای روایت آمده، ذکر شده است. این روایات با خط نستعلیق و دو جوهر مشکی و قرمز کتابت شده و گاهی نیز حاشیه‌هایی بصورت کلمه، جمله و عبارت در اطراف برگه یا در میان سطرها با جوهر و خط متفاوت درج شده است که افزوده‌های کاتبان بعدی است که برای توضیح یا بیان معنی کلمه‌ها ایجاد شده است. در این پژوهش به بررسی ویژگیهای ظاهری و ساختاری این کتاب پرداخته شده و پرسشهای اصلی این است که این نسخه خطی چه ویژگیهایی دارد و از نظر رسم‌الخط و کاربرد واژه‌ها تحت‌تأثیر چه عواملی بوده است.

پرسشهای پژوهش

۱. کتاب روایات داراب هرمزد از نظر ساختاری چه ویژگیهایی دارد؟
۲. رسم‌الخط کتاب روایات داراب هرمز بر چه اساس است؟
۳. خط و زبان روایات تحت‌تأثیر چه عواملی است؟
۴. محتوای کتاب چه مباحثی را مطرح میکند؟
۵. ویژگیهای ادبی روایات داراب هرمزد چیست؟

ضرورت و سابقه پژوهش

این کتاب تاکنون تصحیح نشده است؛ بنابراین تحقیق چندانی درباره آن انجام نگرفته است. دالوند (۱۳۸۸) در مقاله «روایات داراب هرمزد و دستنویس کتابخانه مجلس» به مقایسه این نسخه با نسخه «اونوالا» که بصورت سنگی به چاپ رسیده است پرداخته و موارد اختلاف این دو نسخه را بیان نموده و نوشته است بسیاری از مطالب در این دو نسخه جایابی دارد یا کم و زیاد است. نعیم‌آبادی (۱۳۹۴) نیز در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی پرسش و پاسخهای فقهی کتاب روایات داراب هرمزدیار و مقایسه آنها با دیگر متون فقهی زردشتی»

محتوای روایات را از نظر فقهی بررسی نموده؛ اما وی از نسخه چاپ سنگی اونوالا استفاده نموده است که با نسخه کتابخانه مجلس تفاوت دارد.

به این ترتیب تاکنون پژوهشی درباره ویژگیهای ظاهری و ساختاری این کتاب انجام نگرفته و این کار نخستین بار انجام میگیرد.

بحث و بررسی

روایت: روایت از نظر لغوی به معنی «توالی و پشت سر هم قرار گرفتن اشیای فراوان در کنار هم» (المعجم، ج ۳: ۱۵۷) آمده است و از نظر ادبی «توالی از پیش‌انگاشته‌شده رخدادها» (بارت، ۱۳۸۷: ۹) اما در حوزه فقهی، منظور از روایت، سخنانی است که بشکل شفاهی از بزرگان دینی شنیده شده و بدلیل اینکه سینه به سینه نقل میشود غالباً دارای اشکال مختلف است. روایات دینی شامل احکامی است که مردم درباره آن پرسشی داشته یا با اشکالی مواجه شده‌اند و پاسخی که از آن دریافت میکنند بعنوان روایت، نقل میگردد.

خط و زبان اوستا: اوستا به معنی «اساس، بنیاد و متن» (توفیقی، ۱۳۸۵: ۵۸) نام کتاب دینی زرتشتیان است که براساس مندرجات متون زرتشتی در ابتدا روی دوازده هزار پوست گاو نر نوشته شده بود ولی در زمان یورش اسکندر سوزانده شد (ارداویرافنامه: ۱). این کتاب در زمان لاش اشکانی تا حدودی بازسازی شد ولی در زمان ساسانیان بطور جدی پیگیری شده و به همراه آموزه‌های دینی پیش از اوستا در کنار افسانه‌های ایرانی زرتشتی و غیرزرتشتی و متون علمی چون نجوم، فلسفه و تاریخ، بصورت کتابی مدون شد (انصاری، ۱۳۹۶: ۲۱). این کتاب با خطی که فقط مخصوص نگارش متون دینی بود نوشته شده است. زبان اوستا کهنترین زبان رسمی مردم ایران است که از کتاب اوستا به یادگار مانده است. این زبان با سانسکریت از یک ریشه بوده و هر دو آریایی هستند ولی اثری از مادر مشترک آنها نیست (شهزادی، بی تا: ۱۱).

فقه و حقوق زرتشتی: دین زرتشتی که از ادیان کهن محسوب میشود، دارای قوانین مدونی بوده که در کتابهایی درج شده است. از جمله کتابهای حقوقی میتوان به *وندیداد* اشاره نمود که به معنی «قوانین ضد دیو» است. «دیوان دراصل خدایان هندو ایرانی بودند که هنوز هم در هندوستان به همان نام و مقام باقیند و پرستش میشوند؛ اما در ایران بنا بر مندرجات کتب پهلوی و تاریخ باستان و شاهنامه فردوسی، مخالفت با دیوان و دیوپرستی سابقه چندهزارساله داشته است» (شهزادی، بی تا: ۱۹). *وندیداد* در ۲۲ فصل تدوین شده و شامل مطالبی است درباره اهمیت نگهداری آتش، اهمیت سگ گله، کشتن خرفستران، ارزش کشاورزی، مسائل اخلاقی، دفع نجاسات، احکام تطهیر، دفن اموات، گرامیداشت روان، انواع گناهان، احکام زنان، مداوای بیماریها، انواع نیایشها و عقیده ثنویت (وندیداد).

بررسی ویژگیهای ساختاری کتاب روایات داراب هرمزد

ادبیات فارسی زرتشتی بدلیل اینکه زرتشتیان آن را پدید آورده‌اند، ویژگیهای خاصی دارند. این متون در واقع بیانگر مفاهیم کهن اساطیری و فرهنگی و اعتقادی ایرانیان باستان است و بیشتر ارزش محتوایی دارد تا ادبی؛ و ایرانیان برای شناخت فرهنگ و تاریخ و باورهای خود، از مواجهه با این متون ناگزیرند (منتظری، ۱۳۹۴: ۲۹)

ساختار کلی نسخه

این کتاب در دو جلد تدوین شده است. جلد اول که موردنظر این پژوهش است دارای ۲۷۲ برگ است و ۱۶ صفحه ابتدایی آن موجود نیست و کتاب از صفحه ۱۷ با روایتی منظوم آغاز میشود. شماره صفحات تنها در یک سوی برگه نوشته شده؛ بنابراین تعداد صفحات کتاب دوبرابر این مقدار یعنی ۵۴۴ صفحه است و هر صفحه در ۲۱ سطر جای دارد. شماره صفحه فقط در بالای صفحه سمت راست نوشته شده و برگ سمت چپ شماره ندارد؛ به همین دلیل برای آسان شدن کار، صفحه سمت راست و چپ را با الف و ب مشخص کرده‌ایم.

کتابهایی که در این کتاب مطالبی از آنها نقل شده عبارتند از: اوستا، صد در بندهش، صد در نثر، صد در نظم. عدد «صد» در رساله‌نویسی کاربرد فراوان دارد. این روش از دوران پیش از اسلام به این دوره منتقل شده و «در» نیز در گذر زمان تبدیل به «باب» شده است. «صد در» در معنی صد فصل یا صد باب است که حاوی روایاتی متعدد و متنوع است. نگارش متونی که با عدد صد در ارتباطند در سایر حوزه‌ها نیز سابقه دارد، مانند رساله صد میدان و صد پند خواجه عبدالله انصاری و صد پند عبید زاکانی.

«صد در» به آن دسته از متون روایی فارسی زرتشتی گفته میشود که صد باب یا فصل دارد و در آن به مسائل اساسی دینی و اخلاقی زرتشتی اشاره شده و به بیش از آگاهی در دین زرتشتی ختم میشود (منتظری، ۱۳۹۴: ۳۲). متون «صد در» شامل چهار متن «صد در نثر»، «صد در بندهش»، «صد در بحر طویل» و «صد در نظم» است. صد در نظم همان صد در نثر است که در حدود سال ۸۶۴ یزدگردی (۱۴۹۵ م) توسط مردشاه پسر ملکشاه فراهم شده است (تاوادی، ۱۹۵۴: ۳۴، نقل از منتظری، ۱۳۹۳: ۲۴۱). صد در نثر یکی از متون است که سال دقیق نگارش آن مشخص نیست. در مقایسه با صد در نظم که برگردان نظم‌گونه این کتاب است و در سال ۸۶۴ تحریر شده، میتوان تاریخ نگارش این کتاب را پیش از سال ۸۶۴ یزدگردی دانست. صد در نثر کهنتر و قابل استنادتر است.

بندهش از متون روایی گروه اول است که در سال ۸۹۶ یزدگردی یعنی اوایل قرن شانزدهم میلادی به نگارش درآمده است (امیدسالار، ۱۳۸۹: ۵۰۰). این کتاب، ترجمه و تفسیر اوستا و بیشتر شامل مباحث در باب آفرینش و چگونگی شکل‌گیری جهان و موجودات و عناصر آن طبق جهان‌بینی زرتشتی است. ترجمه‌های این اثر تحت‌اللفظی و ناقص است (منتظری، ۱۳۹۴: ۳۱). با مقایسه متن روایات داراب هرمزد با کتابهای نامبرده مشخص میشود که راوی در استفاده از کتب امانتدار نبوده و روایت را عیناً نقل نکرده است. به همین دلیل نمیتوان ویژگیهای روایت داراب هرمزد را تحت‌تأثیر کتب موردنظر دانست؛ البته در مواردی از جمله رسم‌الخط، میان همه این کتابها شباهتهایی هست که معلول سبک دوره نگارش کتابهاست.

ویژگیهای ساختاری

حاشیه‌نویسی کتاب: نوشتن در حاشیه‌های کتاب دلایل مختلف دارد. گاهی مطلبی از قلم افتاده و کاتب مجبور است آن را در حاشیه بنویسد و مطلب را تکمیل کند. گاهی نیز لازم است برای واژه‌های ناشناس توضیحی درج شود یا معانی مختلف آن نیز اضافه شود. حواشی گاهی توسط کاتب اصلی و گاه توسط دیگران در کناره‌ها یا بالا و پایین سطور نوشته میشود. در نسخه موردبحث نیز برخی صفحات دارای حاشیه‌نویسی است که غالباً از سوی کاتب دیگر یا شخصی که کتاب را بازبینی کرده افزوده شده است. این حواشی چند حالت دارند:

الف. حواشی توضیحی: در مواردی واژه‌های ناآشنا در حاشیه‌ها و یا در بالا یا پایین واژه توضیح داده میشود. این توضیحات را کاتب دیگری غیر از کاتب اصلی به متن افزوده است و گاه تفاوت چندانی با اصل متن ندارد و فقط

کلمه‌ای متفاوت است یا شکل دیگری از روایت است. برای مثال در این عبارت: «اگر سر چرکین است آن نسا دو کس به هم پیوند به واج گرفتن و کیسه سه جُل بدست کردن و ستل چمچه آهن بزرگ پیوندی دراز بدست بستن تا اشته پس یک کس به چاه رفتن» (داراب هرمزد: ۶۳ ب)

نمونه‌های این نوع حاشیه‌نویسی را در توضیح واژه «سَتَل» به معنی کتک زدن و «بستاده» در معنی شنیده (داراب هرمزد: ۷۳ ب)، «برکست» به معنی «مبادا که چنین باشد» (ص ۲۰ الف) می‌بینیم. دلیل این نوع حاشیه‌نویسی، گذر زمان و فاصله گرفتن از زبان راویان است که کاتب احتمال عدم فهم مخاطب را داده و واژه را به شکلی که در زمان خود وی قابل فهم است، توضیح داده که البته برخی توضیحات نیز در زمان حال قابل فهم نیست.

ب. مطالب جاافتاده از متن: در مواردی کاتب واژه یا جمله‌ای را جا انداخته و در حاشیه آن را نوشته است. در این موارد جایگاه واژه در متن با علامتی مشخص شده است. در روایتی که از «شاپور بروچی» نقل شده، جمله‌ای جا افتاده است که کاتب یا بازبین، آن را در بالای خط میان دو واژه نوشته است: «اول با کسی که قول و پیمانی کرده باشد از او بگردد و روانش به سیصد سال در دوزخ بماند ۲ بیع کرده است بازگردد (و دست بر دست زده) تا چهارصد سال در دوزخ بماند» (داراب هرمزد: ۲۲ ب). جمله داخل پرانتز در تکمیل جمله پیشین افزوده شده است. نمونه‌های دیگری را در صفحات ۱۴۳ الف و ۵۵ ب می‌بینیم.

ج. نتیجه یا برداشت از متن: گاهی نوشته‌های حاشیه، توضیحی درباره روایت میدهد که مشخص است در بازبینی متن ایجاد شده و با توجه به اینکه در مواردی خط نیز متفاوت است، میتوان فهمید بازبینی توسط کاتب دیگری انجام شده است. نمونه این نوع حاشیه را در توضیح مطلبی مربوط به «چیدن موی سر و ریش» می‌بینیم. این نوع حواشی شبیه چکیده یا گزیده متن و به عبارتی لب مطلب است که توسط شخصی غیر از کاتب برای دسترسی ساده‌تر به موضوع متن در حاشیه نوشته شده است.

دیگر از موی سبیل و جمله اندام خویش نی تراشند و نچینند زانکه این رسم است و کیش (همان: ۱۴۳ ب)

در سمت چپ حاشیه برگه ب در توضیح این بیت نوشته است: «موی سر و ریش نباید چید نباید تراشید چه گناه گرانست.»

از این موارد میتوان به حاشیه صفحات ۵۵ ب اشاره نمود که در تمام خطوط توضیحاتی پراکنده در حاشیه یا میان خطوط اضافه شده است که نقشی در متن ندارد و مطالبی است که شخصی دیگر، نظر خود را نوشته است. همچنین در صفحه ۱۰۸ الف نیز دو حاشیه در سمت راست در کادر چهارضلعی نامنظمی نوشته شده که برداشت از متن اصلی است.

د. شکل دیگری از واژه: در مواردی، دلیلی برای حاشیه‌نویسی وجود ندارد؛ اما کاتب یا بازبین جمله یا کلمه را بشکل دیگری نوشته یا همان جمله را تکرار کرده است. همچنانکه در عبارت زیر، فعل «است» را بشکل گذشته نقلی «بوده است» در بالای واژه نوشته است:

«سوگندنامه این است و چند گونه سوگند این است» (داراب هرمزد: ۲۳ ب)

در جای دیگری نیز شکل پیوسته واژه‌ها را بشکل جدا در بالا یا پایین آنها نوشته است. این مورد کمیاب بوده و مواردی از آن را در صفحه ۵۵ ب میتوان دید که بالای واژه «بهوار» نوشته: «به هوار» و بالای «بآن» نوشته: «به آن».

مشخص است که در طول دوران نگاشتن کتاب تا خوانده شدن توسط حاشیه‌نویس، تغییراتی در رسم الخط فارسی

ایجاد شده و شیوه‌های پیوسته‌نویسی و جدانویسی تغییر کرده است.

ه. تکمیل روایت: این نوع حواشی جدا از متن اصلی بوده و روایتی دیگر در راستای همان موضوع بحث را بیان میکنند؛ بطوریکه به نظر می‌آید کاتب یا بازیین روایات را کافی ندیده و لازم دانسته در تکمیل روایات مطلب دیگری هم بیاورد. نمونه این حاشیه را در صفحه ۵۵ الف میبینیم که در بحث مربوط به آتش بهرام، روایتی از کامدین شاپور نقل شده و در حاشیه سمت راست، با خط و جوهری متفاوت، روایت دیگری از همین شخص نوشته شده است. تعدد روایات با مضامین یکسان در این کتاب فراوان است. این ویژگی را در کتب روایات اسلامی هم بوفور میبینیم و دلیل آن، مکتوب نشدن روایت در زمان شنیدن است و تعدد راویان در هنگام نوشتن موجب تفاوتی در اصل یا فرعیات موضوع شده است. در مورد این نوع حاشیه‌ها هم بدلیل اینکه روایت مکتوب با روایتی که در ذهن کاتب یا بازیین بوده متفاوت نموده، ذکر آن را لازم دیده است.

خط فارسی و اوستایی: خط و زبان رسمی ایرانیان زرتشتی در قرون پس از اسلام، فارسی دری است؛ ازاینرو روایات فقهی نیز به خط و زبان فارسی گردآوری شده‌اند و تنها برخی دعاها با خط یا زبان اصلی در این نوع کتابها درج شده است. دری زرتشتی که خود دارای لهجه‌های گوناگون است میتواند بعنوان زبانی مستقل به شمار رود؛ زیرا گویندگان این زبان نمیتوانند با فارسی‌زبانان ارتباط برقرار کنند. این زبان از نظر آواشناسی و ساخت واژه نیز با زبان فارسی تفاوت دارد (مزدآپور، ۱۳۷۴: ۵). این کتاب که حاوی مطالب فقهی زرتشتی است، به خط و زبان فارسی نوشته شده ولی در مواردی که جملات و عبارات خاص مانند دعاها و ویژه زرتشتیان از اوستا نقل میشود، خط و زبان تغییر میکند. این تغییر به دو شکل دیده میشود.

(۱) زبان اوستا به خط فارسی نوشته میشود که قابل خواندن است اما مفهوم آن مشخص نیست. مانند عبارات زیر که بعنوان «نیرنگ» خوانده شده و منظور دعا و افسون و ورد است:

نیرنگ شیرینی یستن هر شیرینی که باشد پیش بنهد و این واج خواند. بنام یزدان هورمزد خدای اوزونی کرچه خُره اوزیاد بهرام ایزد فیروز کردشمن زدار امهی هوتاشتهی برساد از هماگناه تا فرستیچه اهورهی» (داراب هرمزد: ۴۳ الف). در برخی صفحات مانند ۲۰۱ تا ۲۰۷ تقریباً تمام سطور حاوی متن اوستا به خط فارسی است.

(۲) خط و زبان هر دو اوستایی است. برخی صفحات کتاب، شامل دعاها یا افسونهایی است که به خط اوستایی نوشته شده است. این نمونه‌ها بصورت واژه، جمله، عبارت و چند سطر و چند صفحه نیز دیده میشود. نمونه‌های این نوع نوشته را از صفحات ۳۱ تا ۴۲ بفراوانی میبینیم. در برخی صفحات مانند ۱۰۲ الف و ب بخش غالب متن بشکل اوستایی است. در نمونه‌های زیر، نقطه‌چینها نشانۀ خط و زبان اوستایی است که شامل دعاهایی است که برای انجام اموری خاص خوانده میشود. این نمونه بیشتر بصورت جمله‌هایی در میان خط فارسی آمده است. صفحات ۲۰۷ و ۲۰۸ کاملاً به این شکل نوشته شده است.

(۳) تلفیقی از دو مورد است؛ یعنی در عباراتی پی‌درپی برخی جملات با خط و زبان اوستا و برخی با خط فارسی و زبان اوستایی آمده است (داراب هرمزد، ۴۴ الف).

رسم الخط: پیوستگی و گستگی واژه‌های پیشوندی و مرکب: در این کتاب قانون مشخصی برای پیوستگی و گستگی کلمات وجود ندارد. برخی کلمات که از نظر دستوری پیوستگی دارند، در این کتاب جدا از هم نوشته شده و برخی واژه‌ها که جدا نوشته میشوند در این نسخه به هم پیوسته است. مواردی از این نوع را بررسی میکنیم:

الف. پیوستگی: حرف اضافه «به» همواره به متمم می‌چسبید: «جامه آن پرهیزنده را بنسأ سالار دهند» (داراب هرمزد: ۱۳۷ الف).

از این جمله است: بآستین (ص ۱۲۸ ب)، بآب (ص ۱۳۶ الف، ۵۴ الف)، بدستوری (ص ۱۳۷ الف)، بمینو (۵۴ الف)، بهوا، بهیج، بموازنه (ص ۱۰۵ ب).

این رسم‌الخط برخلاف متون پهلوی و اوستا و مطابق با نوشته‌های فارسی پس از اسلام است؛ زیرا در اغلب کتب خطی چنین رسم‌الخطی به کار رفته است؛ اما در متون قدیمی فارسی حرف اضافه «به» بشکل «pat» و جدا از متمم نوشته می‌شود: «mart pat gevak ne but» مرد بجای نبود (کارنامه اردشیر بابکان، نقل از: جنیدی، ۱۳۸۶: ۳۸، ۴۳).

در بندهش بصورت «be» نیز آمده است که از واژه بعدی جداست: «گوفت کتاران سوت اومندتر سهت کاتان به او گیتیک برهینم» گفت کدامتان سودمندتر مینگرید تا شما را به گونه گیتی بیافرینم؟ (بندهش: ۳۳).

نمونه‌های دیگر پیوسته‌نویسی نیز شامل اتصال رای مفعولی، های جمع، می استمراری، حرف اشاره و همه پیشوندها، پسوندها و حروف است: مانند: زنانرا (ص ۱۲۸ الف)، آنکسانرا، ایشانرا (ص ۱۰۸ ب)، آنجامه (ص ۱۰۵ ب)، اینجای (ص ۱۰۸ ب)، وقتها (ص ۱۲۸ الف)، چونکه (ص ۱۳۶ الف).

همچنین واژه‌های مرکب و ترکیبات اضافی نیز در این کتاب در اغلب موارد پیوسته‌اند. واژه «مرگ ارزان» که به معنی «لایق کشتن» به کار می‌رود جز در مواردی اندک، بشکل «مرگززان» نوشته می‌شود (ص ۱۳۶ الف، ۸۰ الف و...). در *کارنامه اردشیر بابکان* نیز این واژه مرکب بطور پیوسته (margarzan) نوشته شده است و مشخص است که این واژه در کثرت استعمال بعنوان واژه‌ای مستقل پذیرفته شده است (ر.ک: *کارنامه اردشیر بابکان*: ۹۶).

در بیت زیر نیز «اهل دین» سرهم نوشته شده است:

بود بی شکی او گنهکار ازین گنهکار گردید بر اهل‌دین (داراب هرمزد، ص ۶۰ الف).

فعل «است» در بسیاری موارد پیوسته است، مانند سه واژه «نیرنگ دین است» در بیت زیر:

پس این پاکی اندرون بدن ز نیرنگدینست بشنو سخن (ص ۱۳۲ الف).

از نمونه‌های دیگر میتوان به این موارد اشاره نمود: همچنانست (ص ۵۹ الف)، نقلست (ص ۱۰۸ الف و ۲۱ ب)، همانست (ص ۲۲ ب)، سپاسداريست (ص ۱۶۶ ب).

ب. جدانویسی: از موارد جدانویسی غیرمتعارف در این کتاب میتوان به جدا کردن حرف «ب» از فعل امر یا مضارع اشاره نمود؛ مانند: «به بین» در این جمله: «به بین که چند حق بران داماد باشد» (داراب هرمزد، ص ۱۰۸ الف). این نوع جدانویسی تحت‌تأثیر خط اوستا و پهلوی است که جزء پیشین فعل از آن جداست. در متون پیشین حرف «ب» و «ن» از فعل جدا نوشته شده است. ژاله آموزگار در کتاب «زبان پهلوی، ادبیات و دستور آن» به نقل از روایات پهلوی به افعال مضارع مانند: «be ozanem» به معنی بکشم اشاره کرده است (آموزگار، ۱۳۷۵: ۷۵). نمونه‌ای از این نوع رسم‌الخط را در *کارنامه اردشیر بابکان* می‌بینیم: «هنر و مردانگی به ستم‌گری و دش‌شرمی و دروغ و بیدادگری نه توان» (کارنامه اردشیر بابکان: ۱۷). دراصل پهلوی: ne uwan آمده است.

واژه مرکب مرگززان در چند مورد جدا نوشته شده است (داراب هرمزد، ص ۱۲۵ الف). همچنین کشتزار بصورت جداگانه آمده است: «وگر آب ناید بدان کشت زار رسد با نسا ای پسندیده کار» (همان: ۶۰ الف).

این نوع تفاوتها بدلیل تنوع منابع مورد استفاده گردآورنده است.

^۱. به نسا سالار

دوگانگی واژه‌ها: آمیختگی شکل قدیم و جدید لغات موجب شده است در مواردی دوگانگی ایجاد شود. این دوگانگی در روایت یک راوی یا نقل از یک کتاب نیز وجود دارد:

املای ف و پ: واک «پ» در تاریخ تحول زبان پارسی به «ف» تغییر کرده و در متون جدیدتر هر دو شکل این واژه‌ها دیده میشود. در کتاب روایات داراب هرمزد بدلیل فاصله گرفتن از آغاز دگرگونی خط از اوستا و پهلوی، واژه‌ها بیشتر بشکل جدید دیده میشوند؛ به همین سبب «پ» کمتر کاربرد دارد و بطور نادر در مواردی یافت میشود اما غلبه با شکل تازه‌تر است:

«همه گاوان و گوسفندان و چهارپایان هفت کشور زمین را شیر بکاهد» (ص ۶۸ الف).

واژه «امشاسفند» از دو راوی مختلف با دو شکل آمده است:

از روایت جاسا: «بدستوری دادار اورمزد امشاسفندان به دستوری سروش اشو بدستوری زرتشت اسفنتمان بدستوری دستوران دستور آنکه بر دستوران همه وجه باشد نام او بردن». از روایت بهمن پونجیه: «بدستوری دادار اورمزد بدستوری امشاسپندان بدستوری سروش اشو بدستوری زرتشت اسفنتمان و به دهیوودی شاه وشتاسف و بدستوری دستور آنزمان که بوده باشد.» (ص ۷۶ الف)، امشاسفند (ص ۸۱ الف، ۹۵ ب، ۹۹ الف، و...).

در اغلب صفحاتی که امشاسفند با شکل جدید نوشته شده، واژه‌ها یا جملاتی به خط یا زبان اوستایی نیز وجود دارد که نشان از آمیختگی خط و زبان نو و کهن در این کتاب دارد.

واژه «برهنه» تنها در یک روایت بشکل «برخنه» آمده است، درحالیکه راوی هر دو نوشته یکی است (همان: ۷۶ ب).

«نوشته» و «نبشته» به هر دو صورت در متن آمده است؛ اما بشکل اول که جدیدتر است بسامد بیشتری دارد و در نوع دوم نادر است:

«چنین باشد نبشته در ره دین شنیدم نظم کردم مرد بهدین» (ص ۱۷ الف).

واژه «تنافوری»^۱ بشکل «تنافه‌ری» نیز آمده است؛ اما بیشتر بشکل اول دیده میشود:

«آتش که در آفتاب نهد فرمانی گناه باشد و تا که نماز شام بگذارند تنافوری گناه باشد» (ص ۵۱ ب).

«و که بر پای ایستاده آب تاختن کند تنافه‌ری گناه باشد» (ص ۷۰ الف).

همچنین واژه «پل» که تحت تأثیر شکل پهلوی و اوستایی «پوهل» بیشتر بشکل «پول» نوشته شده است.

«چینود پول ... بریده پول» (ص ۱۱۰ الف).

اما شکل تازه آن بصورت «پل» نیز در روایات دیگر آمده است (ص ۵۶ الف) و (ص ۸۵ الف) هر دو شکل این واژه تقریباً به یک میزان به کار رفته اما غلبه با شکل قدیمی آن است.

همچنین است «آب» و «آو» که با توجه به کلیت متن، غلبه با «آب» است: آب (ص ۱۳۳ ب)، آو (ص ۱۳۳ ب). در مقایسه واژه‌های جدید و قدیم، بسامد شکل جدید بیشتر بوده و مشخص است اشکال قدیمی که بطور نادر یافت میشود مربوط به برخی گویشهای از سوی راوی یا کاتب است و به زبان قرن دهم ارتباط ندارد.

۱. تَناپوهل tanaĪpuhl یا تَنافور: در اوستا تَنوپرته tanu-pθrθñā به معنی «تن به سزا رسیده» یا پشوتنو یعنی تن به سزا ارزانی یا تن محکوم و بعبارتی به معنی «کسی که تن خود را باید برای گناهی که کرده است بدهد» آمده است. در گزارش پهلوی تَناپوهل یگانیه tanaĪ puhlāġaġnāġh؛ تَناپوهل tanaĪ puhlāġaġnāġh و یا تَناپوهر؛ و در پازند تَنافور شده و در توضیح افزوده شده: مرگ ارزان، یعنی به مرگ ارزانی یا درخور مرگ (حسینی، ۱۳۸۴: ۱۹۵).

کاربرد شکل قدیم واکه‌ها: حذف «ه» بدل از کسره: در همه موارد این ویژگی دیده می‌شود و «ه» بدل از کسره در پیوستن به «ها»ی جمع حذف شده است: کارخانها، کرفها، کیسها.

«گرساسپ که چندان کرفها کرده بود و چندین کارهای معظم از دست او برخاسته بود» (ص ۴۸ الف).

این ویژگی در سایر کتب خطی قدیمی نیز وجود دارد و خاص این کتاب نیست؛ چنانکه در کتاب «صدر در نثر» نیز به همین نحو آمده است: «کرفهای دین اینست» (صد در نثر: ۵).

«گاف» در همه جا بصورت «کاف» نوشته شده است: کفتن، کاهنبار، مرکزبان، دیگر. (ص ۶۱ ب) و (ص ۶۰ الف).

در مواردی حرف «ف» جایگزین «پ» شده است، مانند: فرستار بجای پرستار (ص ۵۵ الف)، فختن بجای پختن (ص ۵۴ الف).

همزه بجای «ی» مانند: بالاء بجای بالای (ص ۸۸ الف) و (ص ۸۴ ب).

«غ» بجای «ک»: جغر زن بجای چکر زن (ص ۱۱۴ الف).

اصل کلمه «چکر زن» است که در دین زرتشتی به زن بیوه گفته می‌شود و در همه موارد بشکل اصلی آمده و تنها یک بار «جغر» نوشته شده است.

«و» بجای «گ» مانند: وناه بجای گناه (ص ۱۲۷ الف).

این واژه در پهلوی بشکل *vinah* آمده است.

غلطهایی املائی: بدلیل کم‌سوادى راویان و کاتبان، در این متن اغلاط املائی نیز دیده می‌شود. برای مثال واژه «سدره» که لباس مخصوص زرتشتیان است بصورت «صدره» آمده است. (ص ۷۷ الف) و (ص ۸۲ الف). البته می‌تواند بدلیل تأثیر خط عربی در فارسی نیز باشد.

واژه «نسل» نیز با «ص» نوشته شده است (ص ۱۰۹ الف)، اما در پاورقی همین صفحه در توضیح جمله، «نسل» با سین نوشته شده است. واژه «خرد» به معنی کوچک، در همه جا بشکل «خورد» آمده است (ص ۱۰۸ الف).

واژه «قواعد» جمع قاعده بصورت «قواید» و «قواعد» (ص ۷۷ الف) که هر دو نوع نوشته از روایت شاپور بروجی است و مشخص نیست کاتب اشتباه کرده یا روایت به دو شکل بوده است.

جای خالی در برخی صفحات کتاب: برخی صفحات کتاب دارای جاهای خالی است که مؤلف قصد داشته بعداً مطالبی را در آنجا اضافه کند. این فضاهای خالی گاهی به اندازه یک جمله و گاه یک خط یا یک بند و گاه یک صفحه است. برای مثال میتوان به صفحات بعد از صفحه ۷۱ که شماره صفحه نیز ندارد اشاره نمود که تنها یک بیت در بالای صفحه ب نوشته شده که مربوط به صفحه ۷۱ ب است. چون مطلب پیشین راجع به دخمه و نقشه آن بوده، در برگ بعدی نقشه دخمه درج شده است. در برگ بعدی صفحه الف خالی و صفحه ب خطی ناآشنا دارد که با خطوط پیشین متفاوت است. برگ بعدی بالای صفحه به فارسی نوشته شده: «بنام ایزد»، سپس با همان خط ناآشنا مطالبی درج گردیده که مشخص میکند در اینجا کاتب عوض شده است.

در مواردی نیز شماره ورق را قرار بوده ذکر کند ولی فراموش نموده و جای آن خالی مانده است: «آن پرسشها در باب اروپسگاه مرقوم شده است به ورق نوشته شده است. دیگر آن که زنی که دشتان شود و بمیرد آن پرسش مرقوم خواهد شدن به ورق» (ص ۱۳۰ الف).

گاهی بدون هیچ اشاره‌ای مبنی بر اینکه چیزی قرار است اضافه شود، به اندازه یک یا چند جمله جای خالی ایجاد شده که با توجه ویژگی نسخه‌های خطی که تمام مطالب پشت‌سرهم و بی‌فاصله نوشته می‌شود، معلوم است که در این جاهای خالی مطالبی در نظر گرفته شده ولی کاتب فرصت تکمیل آن را نیافته است.

رنگ جوهر: کاربرد رنگ قرمز و مشکی در این کتاب یکدست نیست. رنگ قرمز برای مشخص کردن پرسش و پاسخ و گاه نام راویان یا کتابها بکار می‌رود؛ اما این قاعده همیشه رعایت نشده است (ص ۱۷ الف و ب). گاهی برای مشخص بودن ابتدای سخن و عوض شدن راوی، و در مواردی کلمه «پرسش» و «پاسخ» به رنگ قرمز می‌آید و گاه برخی جملات که به نظر کاتب مهم بوده با جوهر قرمز نوشته شده است (ص ۱۳۳ ب)، (ص ۱۸ الف)، (ص ۲۱ ب). در مواردی نادر هم حاشیه‌های میان خطوط با جوهر قرمز نوشته مانند «تمام بد گناه» در پایین کلمه «اورون» که معنی این واژه است (ص ۱۹ الف).

دستخط متفاوت: خط این کتاب همانند سایر نسخ خطی، نستعلیق است اما در صفحات مختلف، تغییراتی در خط دیده می‌شود که مشخص می‌کند کاتب یک نفر نبوده و به یقین چند کاتب به نگارش آن دست زده‌اند و ازدیاد حاشیه‌نویسی و تفاوت‌های رسم‌الخطی نیز ناشی از عوض شدن کاتبان است. در برخی صفحات، خط بسیار زیبا و حروف شکل‌دهنده هستند. اما در صفحاتی دیگر آن زیبایی به چشم نمی‌خورد و خط مبتدی یا ناخوانا و بد است. از این جمله می‌توان به خط زیبا در صفحات ابتدایی اشاره نمود که رفته‌رفته تغییر شکل داده و برخی صفحات متفاوت شده و حتی رنگ جوهر نیز کم‌رنگتر است و حروف نظم پیشین را ندارند (ر.ک: ص ۱۱۰ تا ۱۱۲ الف و ۱۱۶ الف تا ۱۱۶ ب).

علامتهای نگارشی: در کتب خطی از نشانه‌های سجاوندی استفاده نمی‌شود. در کتاب روایات داراب هرمزد در موارد اندکی از سه نقطه قرمز (بشکل مثلث) در میان جملات یا واژه‌ها استفاده شده و یا برخی واژگان با خطوط قرمز در زیر یا بالای واژه از متن متمایز شده‌اند. کاربرد سه نقطه بیشتر در هنگامی دیده می‌شود که دعاهای اوستایی نقل شده یا دستوراتی از کتابهای دینی بشکل مجزا جمله به جمله آمده است (ص ۱۶۷ ب).

سطح فکری

فقه ساسانی مجموعه‌ای از آراء و فتاوی فقهی است که دربرگیرنده مجموعه‌ای از رسائل فقهی و تشریحی همچون وندیداد، شایست نشایست و... بوده است. در این متون احکام مختلفی که زرتشتیان با آن مواجه بوده‌اند، بویژه در دوران پس از اسلام و ارتباطی که آنها در جامعه با مسلمانان داشتند و احکام جدیدی که با آن روبه‌رو بودند، بصورت پرسش و پاسخ جمع‌آوری شده است. کتاب روایات داراب هرمزد حاوی مجموعه دستورات دینی، اخلاقی، حقوقی، فقهی و مذهبی است که هر یک بشکل مبسوط با روایات متعدد توضیح داده شده است. بیشترین موضوعات کتاب شامل دستورات عملی دین است که در ارتباط با امور روزمره مردم بوده و برای آنها سؤال پیش آمده است که در این بخش به آنها پرداخته می‌شود.

احکام فقهی: فقه زرتشتی شامل مباحثی است که مردم روزمره با آن در تعامل هستند و احکام خاصی دارد که باید به آن عمل شود؛ در غیر این صورت گناه شمرده شده و کیفرهای دنیوی و اخروی در پی دارد. مسائلی مانند چیدن موی و ناخن، احکام نجاسات، ازدواج، طلاق، شیر دادن فرزند، احکام میت، نحوه انجام تکالیف دینی، و همه اموری که در زندگی مردم جریان دارد مانند احکام نجاسات که بتفصیل به آن پرداخته شده و روشهای پاک شدن از نجاسات نیز بیان شده است. مباحث مربوط به نجس و پاکی شامل پاک نگه داشتن چهار عنصر از نجاسات است. از اینرو احکام کشاورزی که در ارتباط با کود دادن زمین است نیز جزو همین مباحث است. میتوان گفت چارچوب احکام زرتشتی بر مبنای پاکیزگی بیرون و درون است، ولی در این روایات بیشتر احکام مربوط به پاکیزگی ظاهری سؤال شده است که کتاب را به توضیح‌المسائل مسلمانان شبیه می‌سازد. برای مثال، در مورد وجود پلیدی در کشتزار

چنین آمده است: «چون کسی کشتزار به انبازی خواهد کردن اول باید نگریدن که به همراه آب نسا هست یا نه. بعد از آن آب گذارد همچنین اگر در آن میانه آب در کشتزار باشد نسا پدیدار آید...» (همان: ۵۹ ب). همچنین است احکام توبه (داراب هرمز ۱۷ الف-۱۹ ب)، احکام کشاورزی (۱۹ ب-۲۱ الف)، دآوری خریدوفروش (۲۴ ب-۲۵ ب)، احکام دزدی (۲۴ ب)، احکام زناشویی (ص ۱۱۵ ب) و بسیاری موارد دیگر.

احکام حقوقی و کیفری: موضوعات حقوقی مطرح در این کتاب مانند مبحث پیشین بصورت پرسش و پاسخ آمده است و شامل مواردی چون: ارث، مسائل مالی ازدواج و طلاق، انواع گناهان و کیفرهای آنهاست. «هر زن که فرمان شوهر نبرد و آنچه شوهر فرماید نکند او را بدان شوهر هیچ حق و بهری نرسد که خواهد و گر نان و نفقه ندهد گناهش نباشد» (داراب هرمز، ۱۱۰ ب)، مواردی دیگر: ارث (ص ۱۰۹)، کیفر زنا (ص ۱۱ الف)، کیفر دزدی (۲۹ الف) و بسیاری موارد دیگر که انواع کیفرها برای آنها ذکر شده است.

احکام اخلاقی: مسائل اخلاقی و عدم رعایت آنها و کیفرهایی که بر آنها مترتب است بتفصیل ذکر شده است. در مورد احترام پدر و مادر و هیرید آمده است: «در چهلم اینکه هیربد را و پدر را و مادر را نباید آزد اگر بسیاری و رنجی و دشواری و زیان ازیشان ببیند البته نباید که جواب ایشان به زیادتی بازدهند چه خشنودی ایشان در خشنودی یزد پیوسته است و هرگاه که ایشان را بیازارند اورمزد به اوزونی را بازدهد باشند» (همان: ۱۰۷ الف). همچنین در مورد نارضایتی والدین (۱۰۷ ب)، نوشتن گناه فرزند بر پدر و مادر (۱۰۷ ب).

احکام مذهبی: از جمله احکام مذهبی میتوان به انواع دعاهایی که برای دفع شر گزندگان یا ایمنی از بلاهای دیگر خوانده میشود اشاره نمود. این نوع دعاها به زبان اوستایی است که در این کتاب گاه با خط اوستا و گاه با خط فارسی نگاشته شده است. همچنین احکام تکلیف رسیدن فرزندان دختر و پسر نیز از این موارد است که در این کتاب اشاره شده است که تکلیف پسران پانزدهسالگی است و پیش از آن گناهی بر آنان نمینویسند: «تا پانزدهساله نبود هر گناهی که بکند اگرچه بزرگتر گناهی کند اندک مایه باشد و چون پانزدهساله شود هر گناهی که کند هم چندان بنویسند» (داراب هرمز، ۱۰۷ الف). حرمت آتش و نگهداری آن نیز از مواردی است که جزو احکام مذهبی محسوب میشود. در این مورد تأکید شده است که آتش هرگز نباید خاموش شود و پلیدی نیز نباید به آن برسد. همه احکام مذکور در این کتاب با احکام فقهی و حقوقی درهم آمیخته است؛ از اینرو زمانی که در باب آتش صحبت میشود، از گناهانی که بواسطه بی‌احترامی یا کشتن آتش انجام میشود و کیفر آنها نیز یاد شده است (ر.ک: داراب هرمز، ۴۷ و ۴۸).

دعاهای بسیاری برای دفع حشرات، جانوران موذی، و درخواستهای مهم در این کتاب ذکر شده است که خود یادآور بسیاری از اعتقادات مسلمانان در کتابهای دعاست. این دعاها از اوستا گرفته شده و با عنوان اوستای مور زدن (ص ۴۲ ب)، انبرنگ شیرینی یشتن، (ص ۴۳ الف) دعای کستی پوشیدن (ص ۴۳ الف) و غیره آمده است که دارای آیین خاصی است.

سبک‌زبانی

کاربرد لغات عربی در کنار پارسی قدیم: زبان اصلی این نوشتار فارسی دری و نزدیک به زبان امروز است و انتظار می‌رود کاملاً فارسی یا اوستایی پهلوی باشد؛ اما با توجه به اینکه کتاب در قرن یازدهم هجری تألیف شده، زبان عربی نیز از زبان راویان به آن انتقال یافته و برخی لغات و اصطلاحات دین اسلام نیز به آن راه یافته است. از سویی دعاهای مخصوص دین زرتشتی به زبان اوستایی عیناً درج شده است؛ بنابراین در این کتاب سه زبان فارسی،

اوستایی و عربی را در کنار هم میبینیم.

در عبارات زیر واژه‌های «مطالع»، «مهمات»، «سلامت»، «اصلاً» و «مستعد» عربی هستند و در کنار آن شکل قدیم «نبشته» و «پارسی» نیز به کار رفته است: «وگر چنانچه نبشته پارسی دارند و هیریدان و دانایان مطالع نمایند و کتاب بخوانند و مهمات بجا آورند وگر اصلاً نسخه نباشد دو مرد مستعد شده داناتر بفرستند مگر یاد درینجانب بدست آرند و سلامت شوند» (داراب هرمزد: ۵۵ الف).

در برخی موارد به نقل از کتب دیگر که کمتر از آنها استفاده شده، جملات عربی فراوان به سبک مسلمانان به کار رفته است. کتاب دستور ماه وندیداد یکی از این منابع است که در نقل از آن، جملات و واژه‌های عربی زیاد دیده میشود و با سبک غالب کتاب تضاد دارد: «کاوس ولد کامدین، ابلغ البلغا و افصح الفصحا افضل الفضلا، یوم جمعه و موافق، سنه ۱۰۰۳ یزدجردی، شعبان المعظم سنه ۱۰۸۳ هجری، نقل مذکور، منتشر، احقر، منقول» (داراب هرمزد: ۷۱ الف).

با توجه به تاریخی که در این عبارات نوشته شده، مشخص است این کتاب از سایر منابع مورد استفاده جدیدتر بوده و بیشتر تحت تأثیر زبان غالب این روزگار در قرن یازدهم قرار دارد و گردآورنده روایات داراب هرمزد تصرفی در شکل روایات و زبان آن نکرده است.

افعال: در موارد بسیاری افعال بصورت مصدری می‌آیند. این موارد برای امر کردن یا دستورات دینی است که شخص باید انجام دهد و درواقع امر غایب است:

«واشتن و روغن افشار کردن افسون اورکردن انگشت اندر روغن زدن» (ص ۳۱ الف)، «هر ماهه آتش چهار بار باید افزودن» (ص ۵۶ الف)، «آتش وره‌رام را یکی به دو بخش نشاید کردن که باشد» (ص ۵۶ ب)، «قیمت و ارج نشاید گفتن» (ص ۵۷ الف).

افعال بیشتر بصورت قدیمی و مطابق با سبک خراسانی است: «بودمی، می کردمی، نرسیدی، نگرفتمی، خراب کردی، نیست شدن» (ص ۴۷ الف). نمونه‌های دیگر: «قوت نبودی، بتوانستی کشتن، نتوانستندی کردن، نکشتمی» (ص ۴۷ الف)، «همی شود» (ص ۵۹ ب).

بای زاید: بهشت مرا ارزانی کن که اندر جهان اژدهائی را بکشتم (ص ۴۷ الف)، اول به همه راه گذر آب و کشتزار ببايد گردیدن (ص ۶۰ الف)، نسا بگرفتن و بیرون آوردن (ص ۶۴ ب).

سطح ادبی

در این کتاب نمیتوان ویژگیهای بیانی بدیعی را بررسی نمود، زیرا نثری بسیار ساده و گزارشی دارد و جنبه زیباشناسی در آن مطرح نیست. تنها عناصر ادبی که میتوان در آن یافت تلفیق نظم و نثر، تشبیه، تمثیل و جملات کوتاه پی‌درپی است که افعالی مشابه دارد و ایجاد سجع میکند. هیچیک از این ویژگیها غیر از جملات کوتاه، بسامد زیادی ندارد و بندرت یافت میشود.

تلفیق نظم و نثر: از ویژگیهای دیگر این کتاب، تلفیق روایت منظوم و منثور است. همانطور که برای یک موضوع از چند راوی و کتاب نمونه‌هایی ذکر شده، از کتاب صد در نظم نیز روایاتی در همان موضوع نقل میشود که زبان آن نسبت به روایات دیگر ضعیفتر بوده و واژه‌های عربی بیشتری در آن استفاده شده است. این ابیات ارزش شعری ندارد و فقط جملات پندآمیز و رهنمودهایی است که با وزن و قافیه آورده شده است.

زنان چونکه فرزند پیدا کند چو مرده بزاید چگونه بود؟ (داراب هرمزد: ۱۳۲ الف).
کتاب صد در نظم، رونوشتی از «صد در نثر» است که روایاتی از هر دو کتاب در کنار هم آمده است:
از صد در نثر در سی و سیوم
اینکه چون جایگاهی بود که بیمی و ترسی نبود نسا در زیر زمین نهان کرده باشند آشکارتر باید کردن ...
همین روایت از کتاب صد در نظم

در سی و هفتم بدان ای سلیم	که هر جا که نبود تو را ترس و بیم
نسا گر نهد کس به زیر زمین	سفنارمد رنج بیند ازین
بکن آشکاراش ای اهل دین	که باشد تو را کرفه بی حساب

(داراب هرمزد: ۶۸ ب)

این دو روایت در واقع یکی است و متن منظوم از روی روایت منثور به نظم درآمده، اما از نظر زبانی سست و بیمایه است و فقط به وزن و قافیه و رساندن مفهوم اکتفا شده است.

کوتاهی جملات: زبان کتاب به دوره خراسانی نزدیک است و جملات کوتاه و آهنگین دارد. عبارات کتاب گاهی با حذف فعل همراه است و گاه با تکرار فعل و افعالی هماهنگ که سجع ایجاد میکند، اما پیداست هدف راوی و کاتب زیبایی و ایجاد سجع نبوده است:

«تابستان سه روز بگذرد آب به سر نکنند بعد از سه روز الا که به دستشو بشویند وگر نه گناه گران باشد و آبان روز نشاید که آب بر سر ریزند و آب به شب نشاید خوردن و به بیهوده و گزاف نریزند و آب بر دیوار نباید ریختن چه هر که چنین کند خرداد امشاسفند و آبان اردویسور بانو از آن کس خشنود نباشد و خرداد امشاسفند خصمی وی کند و نگذارد که به چنود پول بگذرد و راه ندهد» (ص ۶۶ ب).

هماوایی کلمات پی‌درپی: در روایاتی که دارای عناصر یا پیامدهای مشترک هستند این ویژگی دیده میشود:
«بساطی که گسترند از پنبکین و پشمین و چرمین و سنگین و ایوختستین همشاید کردن» (ص ۱۸۹ ب).
این هماوایی را در دعاهاى اوستایی نیز میبینیم: «ابی کریا دیتی ویسیا همتاچا هوختاچا هورشتاچا پیتی رچیا دیتی ویسیا فراگیرم و تن فرادهم همه همت هوخت هورشت فروگذارم تن فرادهم همه» (ص ۱۹۰ ب).
تمثیل: تمثیل بسامد بسیار کمی دارد و در مواردی نادر به کار میرود؛ مانند این عبارت که طلوع و غروب را تشبیه به مرگ و زندگی کرده است:

«یکی از خورشید پدید آمد وی از مشرق که مانده زایشی است و ناپدید شدن وی به مغرب که مانده مرگ است و دیگر باره از مشرق پدید آمدن که مانده رستخیز است» (ص ۱۸۹ ب).

«به دزدی چو چیز کسان برده‌ای چنان دان که خون خودت خورده‌ای» (ص ۳۰ الف)
مثل گر کسی را دهی یک دم آب که تا تشنه گردد تو یایی ثواب
هران کرفه کان مرد کرده بود ازان کرفه او بهره برده بود (ص ۱۷۵ ب)

ارسال‌المثل: برای توضیح اینکه گناه نکردن بهتر از توبه کردن ضرب‌المثلی را ذکر میکند: «پس فریضه‌تر آنکه نخست برشوم کند و به مثل گفته‌اند که پرهیز کردن بهتر از دارو خوردن است» (ص ۱۷۴ الف).

تشبیه: تشبیهات این کتاب بسیار کم و اغلب در روایت منظوم است. بیان تشبیهات برای روشن شدن مسائل و نکته‌های دینی است و ارزش ادبی چندانی ندارد و در مواردی میتوان گفت تشابه است نه تشبیه؛ زیرا در تشبیه با ادعای مشابهت مواجهیم ولی در تشابه دو طرف تشبیه میتوانند شبیه باشند؛ مانند این مثالها:

بود بدتر ز شیران موش این دان / خرابی میکند مانند شیطان (ص ۱۵۹ الف)

بود افسوسگر مانند دیوان / که باشد رو دل مردم غریوان (ص ۱۷۱ ب)

«جمشید... روزی در صحرا مانند بیهوشان خفته بود» (ص ۱۷۹ ب).

«برد اهریمن او را پیش خود / زود برنش پیش او مانده دود...»

تبرزینش ز نند و گرز فولاد / روان لرزان بسان بید از باد» (ص ۲۱ الف)

نتیجه‌گیری

کتاب مجموعه روایات زرتشتیان یا روایات داراب هرمزد، جُنکی است حاوی روایتهای دینی زرتشتیان که احکام فقه و حقوق این دین را در خود دارد. نسخه کتابخانه مجلس یکی از نسخ معتبر و متأخر است که در دو جلد تدوین یافته و در این پژوهش جلد اول آن از نظر ویژگیهای ظاهری و ساختاری بررسی شد. این کتاب همانند سایر نسخ خطی، بدون پاراگراف‌بندی و علائم سجاوندی نوشته شده و گاهی برای مشخص شدن ابتدای کلام و عوض شدن راوی، رنگ جوهر از مشکی به قرمز تغییر یافته است. این تغییر رنگ همه جا یکدست نبوده و شامل موارد دیگری مانند برخی عنوانها یا جملات مهم و یا واژه‌های پرسش و پاسخ نیز میشود. ویژگی مهم کتاب، آمیختگی خط و زبان اوستایی، پهلوی و فارسی و همچنین واژه‌های قدیم و جدید اوستایی، فارسی و عربی است که البته سهم واژه‌های عربی در این کتاب اندک و نادر است. از جهت رسم الخط، نیز در آن دوگانگی وجود دارد و بدلیل تغییر راویان و یا استفاده از منابع متعدد، اشکال مختلف رسم الخط را در آن میبینیم؛ اما در نگاهی کلی غلبه با پیوسته‌نویسی بویژه پیوستن حرف اضافه «به»، علامت مفعولی «را» و حروف ربط «که»، «چه» و حروف اشاره «این» و «آن» است و جدانویسی بطور نادر در آن دیده میشود. در کاربرد حروفی که از دوران باستان دارای تحول شده‌اند، غلبه با کاربرد شکل جدیدتر است که نشان از تأثیر خط و زبان فارسی بعد از اسلام بر زرتشتیان دارد. دوگانگی در نوشتار این کتاب معلول راویان و منابع متعدد است که پیداست از سوی افرادی با سواد مختلف که برخی کم‌سواد نیز بوده‌اند گردآوری و تدوین شده است. ویژگی دیگر این کتاب از جهت ظاهری در دستخط کاتبان است که دوگانگی در آن مشهود است، بطوریکه در صفحات ابتدایی یا نیمه اول کتاب با خطی بمراتب زیباتر مواجه هستیم. کمالینکه در هر دو قسمت، شاهد تغییر موقت دستخط هستیم و حاشیه‌نویسیها نیز غالباً با خطی متفاوت و گاه به رنگ جوهر دیگر نوشته شده است که نشان از بازبینی متن توسط کاتب دیگری دارد و آنچه مشهود است اینکه کل کتاب دستخط یک کاتب نیست. در بخش سبک فکری، با مباحث بسیاری روبرو میشویم؛ زیرا این کتاب درونمایه‌ای مذهبی دارد و مطالب کتاب برگرفته از دین زرتشتی و کتابهایی است که پس از زرتشت براساس اوستا یا دیدگاه موبدان نگاشته شده است. مباحث فکری این کتاب عبارت است از: فقه، حقوق، اخلاقیات، مذهب، دعا، پاداش و کیفر، توصیف روز جزا که هر یک بتفصیل از روایات مختلف نقل شده است. از نظر ادبی، ویژگی مهمی در این روایات دیده نمیشود و بیشترین عنصر ادبی آن، تکرارها و جملات کوتاه آهنگین و کلمات پی‌درپی موزون است و تشبیه و تمثیل نیز بندرت یافت میشود.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه حکیم سبزواری استخراج شده است. آقای دکتر علی تسنیمی راهنمایی این رساله را برعهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم مریم غفاری شاهد بعنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. آقای دکتر ابراهیم استاجی و آقای دکتر ابراهیم خواجه‌ایم به عنوان مشاوران نیز در تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنمایی‌های تخصصی این پژوهش نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر چهار پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه حکیم سبزواری که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- A collection of histories and stories. (1939). edited by the Queen of Spring Poets, Tehran: Khavar Printing House.
- Amoozgar, Jaleh. (1996). Pahlavi language: literature and its grammar, in collaboration with Ahmad Tafazli, Tehran: Moein.
- Ansari, Bahman. (2017). Zoroastrians and Zoroastrians, Tehran: Arun.
- Ardavirafnameh. (2003). Translation and correction of Jaleh Amoozgar, Tehran: Moein.
- Bart, Roland. (2013). Empire of Signs, translated by Nasser Fakuhi, Tehran: Nashr-Ney.
- Bondaresh. (N.D). Print a photo from the No. 1 edition of Tahmours Dinshah, Tehran: Iranian Culture Foundation.
- Carnival of Ardeshir Babakan. (1975). Translated by Bahram Farahvashi, Tehran: University of Tehran Press.
- Dalvand, Hamidreza. (2009). "Narrations of Darab Hormozdiar and Manuscript of the Library of the Islamic Consultative Assembly" *Payam Baharestan*, (5) 2, pp. 260-247.

- Farahvashi, Bahram. (2002). *Persian to Pahlavi Culture*, Tehran: University of Tehran Press.
- Hosseini, Seyyed Hassan. (2005). "Degrees of Sin, Atonement and Pat in the Zoroastrian Religion", *Haft Aseman Magazine*, Vol. 28, pp. 187-224.
- Ibn Faris, Abu al-Hussein Ahmad. (1979). *Dictionary of Comparative Language*, Dar al-Fekr.
- Junidi, Fereydoun. (2007). *Pahlavani Letter, Teaching Pahlavi Calligraphy and Language (Parthian-Sassanid)*, Tehran: Balkh.
- Mackenzie, DN. (1994). *The Small Culture of the Pahlavi Language*, translated by Mahshid Mirfakhraei, Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies.
- Mazdapour, Katayoun. (1995). *Dictionary of Behdinan Dialect of Yazd*, Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies.
- Moein, Mohammad. (1992). *Persian Culture*, Tehran: Amirkabir.
- Montazeri, Seyed Saeed Reza. (2015). "Study and introduction of Zoroastrian Persian literature", *Mirror of Research*, pp. 29-37.
- Montazeri, Seyyed Saeed Reza. (2014). "One Hundred in Prose and One Hundred in Bandesh and the Introduction of Its Versions", *Mirror of Heritage*, pp. 239-253.
- Naeemabadi, Behnaz. (2015). "Study of jurisprudential questions and answers in the book of narrations of Darab Hormozdiar and their comparison with other Zoroastrian jurisprudential texts", Master Thesis in Ancient Culture and Languages, University of Tehran.
- Narrated by Darab Hormozd, (unpublished) Manuscript of the Library of Parliament, Volume One.
- Omidshah, Mahmoud. (2010). "Relative Antiquity of Some Persian Texts in Zoroastrian Traditions" Thirty-two articles on critique and correction of literary texts, Tehran: Dr. Mahmoud Afshar Yazdi Endowment Foundation, pp. 509-493.
- One Hundred in Prose and One Hundred in Bandesh. (1909). Edited by Arvan Bamanji Nasar and Vanji Dehbahar, MA Electronic version published by Bahman Angareh (Sushiant).
- One Hundred in Prose. (N.D). by Bahman Ansari (Sociant), electronic version.
- Shahrokh, Kaykhosrow. (1958). *Mirror of Mazdisani ritual*.
- Shahzadi, Rostam. (unpublished). *Zoroastrian civil law during the Sassanids*, a discourse on the book *Matikan Hezardatestan*, compiled and translated by: Rostam Mobad Shahzadi, by Mehrangiz Shahzadi, misplaced.
- Shayest Nashaist. (1990). Edited by Katayoun Mazdapour, Tehran: Institute of Cultural Studies and Research.

Tafazzoli, Ahmad. (1975). *Minuye Kherad*, Tehran: Iranian Culture Foundation.
Towfiqi, Hossein. (2006). *Introduction to Great Religions*, Tehran: Lily.

فهرست منابع فارسی

- آموزگار، ژاله (۱۳۷۵) زبان پهلوی: ادبیات و دستور آن، با همکاری احمد تفضلی، تهران: معین.
- ابن فارس، ابوالحسین احمد (۱۹۷۹) معجم مقاییس اللغة، بیجا: دارالفکر.
- ارداویرافنامه (۱۳۸۲) ترجمه و تصحیح ژاله آموزگار، چ ۲، تهران: معین.
- امیدسالار، محمود (۱۳۸۹) «قدمت نسبی برخی از متون فارسی موجود در روایات زرتشتی» سی و دو مقاله در نقد و تصحیح متون ادبی، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، صص ۵۰۹-۴۹۳.
- انصاری، بهمن (۱۳۹۶) زرتشت و زرتشتیان، تهران: آرون.
- بارت، رولان (۱۳۹۲) امپراتوری نشانه‌ها، چ ۴، ترجمه ناصر فکوهی، تهران: نشر نی.
- بندهش (بی تا) چاپ عکسی از روی نسخه شماره ۱ تهمورس دینشاه، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- تفضلی، احمد (۱۳۵۴) مینوی خرد، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- توفیقی، حسین (۱۳۸۵) آشنایی با ادیان بزرگ، چ ۸، تهران: لیلی.
- جنیدی، فریدون (۱۳۸۶) نامه پهلوانی، آموزش خط و زبان پهلوی (اشکانی-ساسانی)، چ ۲، تهران: بلخ.
- حسینی، سید حسن (۱۳۸۴) «درجات گناه، تاوان و پتت در دین زرتشتی»، نشریه هفت آسمان، ش ۲۸، صص ۱۸۷-۲۲۴.
- دالوند، حمیدرضا (۱۳۸۸) «روایات داراب هرمزدیار و دستنویس کتابخانه مجلس شورای اسلامی» پیام بهارستان، (۵) ۲، صص ۲۶۰-۲۴۷.
- روایت داراب هرمزد، (بی تا) نسخه خطی کتابخانه مجلس، جلد اول.
- شاهرخ، کیخسرو (۱۳۳۷) آئینه آئین مزدیسنی، چ ۳، بی جا: بی نا.
- شایست نشایست (۱۳۶۹) به تصحیح کتابیون مزداپور، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- شهرزادی، رستم (بی تا) قانون مدنی زرتشتیان در زمان ساسانیان، گفتاری درباره کتاب ماتیکان هزارداتستان، گردآورنده و برگردان: رستم موبد شهرزادی، به کوشش مهرانگیز شهرزادی، بی جا: بی نا.
- صد در نثر (بی تا) به کوشش بهمن انصاری (سوشیانت)، نسخه الکترونیکی.
- صد در نثر و صد در بندهش (۱۹۰۹) ویرایش اروان بامنجی ناسار وانجی دهابهار، م.ا. نسخه الکترونیکی منتشر شده بوسیله بهمن انگاره (سوشیانت).
- فروهوشی، بهرام (۱۳۸۱) فرهنگ فارسی به پهلوی، چ ۳، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کارنامه اردشیر بابکان (۱۳۵۴) ترجمه بهرام فرهوشی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مجمل التواریخ و القصص (۱۳۱۸) به تصحیح ملک‌الشعراى بهار، تهران: چاپخانه خاور.
- مزداپور، کتابیون (۱۳۷۴) واژه‌نامه گویش بهدینان شهر یزد، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- معین، محمد (۱۳۷۱) فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر.

مکنزی، د.ن (۱۳۷۳) فرهنگ کوچک زبان پهلوی، ترجمه مهشید میرفخرایی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

منتظری، سید سعیدرضا (۱۳۹۳) «صد در نشر و صد در بندهش و معرفی نسخه‌های آن»، آینه میراث، صص ۲۳۹-۲۵۳.

منتظری، سید سعیدرضا (۱۳۹۴) «بررسی و معرفی ادبیات فارسی زرتشتی»، آینه پژوهش، صص ۲۹-۳۷.
نعیم‌آبادی، بهناز (۱۳۹۴) «بررسی پرسش و پاسخهای فقهی کتاب روایات داراب هرمزدیار و مقایسه آنها با دیگر متون فقهی زردشتی»، پایاننامه کارشناسی ارشد فرهنگ و زبانهای باستانی، دانشگاه تهران.

معرفی نویسندگان

مریم غفاری جاهد: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران.

(Email: ghaffarijahed@sun.hsu.ac.ir)

علی تسنیمی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران.

(Email: a.tasnimi@hsu.ac.ir: نویسنده مسئول)

ابراهیم استاجی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران.

(Email: ebrahimestaji@yahoo.com)

احمد خواجه‌ایم: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران.

(Email: Khajehim1@yahoo.com)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Maryam Ghaffari Jahed: PhD student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran.

(Email: ghaffarijahed@sun.hsu.ac.ir)

Ali Tasnimi: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran.

(Email: a.tasnimi@hsu.ac.ir : Responsible author)

Ebrahim Estaji: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran.

(Email: ebrahimestaji@yahoo.com)

Ahmad Khajehim: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran.

(Email: Khajehim1@yahoo.com)